

تاریخ: ۱۴۰۴/۶/۱۶

نام و نام خانوادگی: فرنوش حصاری

درس نقد استاد مترجم زاده

نوع نقد: کلاسیک

پیمان هوشمند زاده مرگت چه بود؟



بخش اول: معرفی اثر و مولف

کتاب ((عکس مرگت چه بود؟)) از پیمان هوشمند زاده که در سال ۱۳۹۸ توسط نشر نظر به چاپ رسید از ۶۲ تصویر از مستندنگاری اجتماعی پیمان هوشمند زاده در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶ فعالیت او است که توسط مجموعه ۶۰ با رویکرد ارائه تصویری از جریان مستندنگاری معاصر به کمک گردآوری آثار هنرمندان مطرح و خلاق و دارای فعالیت مستمر در طول سال‌های کاری خود صورت گرفته است. در این کتاب عکس تصاویر توسط خود عکاس گزینش شده و ناشر حافظ نگاه خلاق هنرمند بوده است.

این کتاب در قطع رقعی به چاپ رسیده است. جلد این اثر شومیز و براق به رنگ اکر است و طراحی آن ساده و دور از شلوغی و عناصر اضافی است که در جلد رو، عکسی عمودی از پشت زنی در حال تماشای تابلوی مونالیزا در فرانسه که یکی از آثار خود پیمان هوشمند زاده است که در داخل کتاب هم قرار دارد، استفاده شده است و در پشت جلد عکسی دیگر از پسری خندان با پیش زمینه دریا که در صفحات داخلی کتاب تکرار نشده، قرار دارد.

تمامی تصاویر سیاه و سفید بوده و بر روی گلاسه ضخیم به چاپ رسیده است. چیدمان عکس‌ها به این گونه است که تمامی تصاویر افقی و عمودی به شکل تمام صفحه با حاشیه سفید در صفحات سمت چپ قرار داشته و صفحات سمت راست کاملاً سفید بوده و در قسمت پایین-راست صفحه تاریخ و مکان تصاویر با فونت و اندازه‌ی کوچک ثبت شده است.

در ترتیب عکس‌ها، تقدم زمان ثبت عکس‌ها اهمیتی ندارد و همچنین رعایت ترتیب تصاویر افقی و عمودی هم به طور کامل تأکیدی نشده است. عکس‌ها شامل مستندنگاری‌های او در داخل ایران و خارج از آن در اتمسفرهای گوناگون انسانی گرفته شده است.

پیمان هوشمند زاده عکاسی است که از سال‌های شروع فعالیت خود در این حوزه، پیاپی به مستندنگاری میان مردم پرداخته است که نگاهی مشابه با آثار نویسندگی او نیز دارد. همچنان که او در صفحات نخست این کتاب ارتباط خود با سوژه‌ها و عکس‌هایش را همچون سلام تشبیه کرده است. سلامی که در پی ارتباط و آشنایی می‌سازد. او در نظرش عکاس و عکاسی را همچون کفتربازان و کفتربازی می‌پندارد، آن چنان که در دید جامعه دلیلی واضح و قابل قبول برای توصیف علاقه برای انجام این کار نمیتوان بیان کرد و فقط احساس و منطقی درونی است که می‌تواند تمام سختی‌ها و خرج‌هایی که در راه عکاسی در میان مردم صرف می‌شود را توجیه کند که قابل توضیح نیست.

بخش دوم: نقد و بررسی اثر

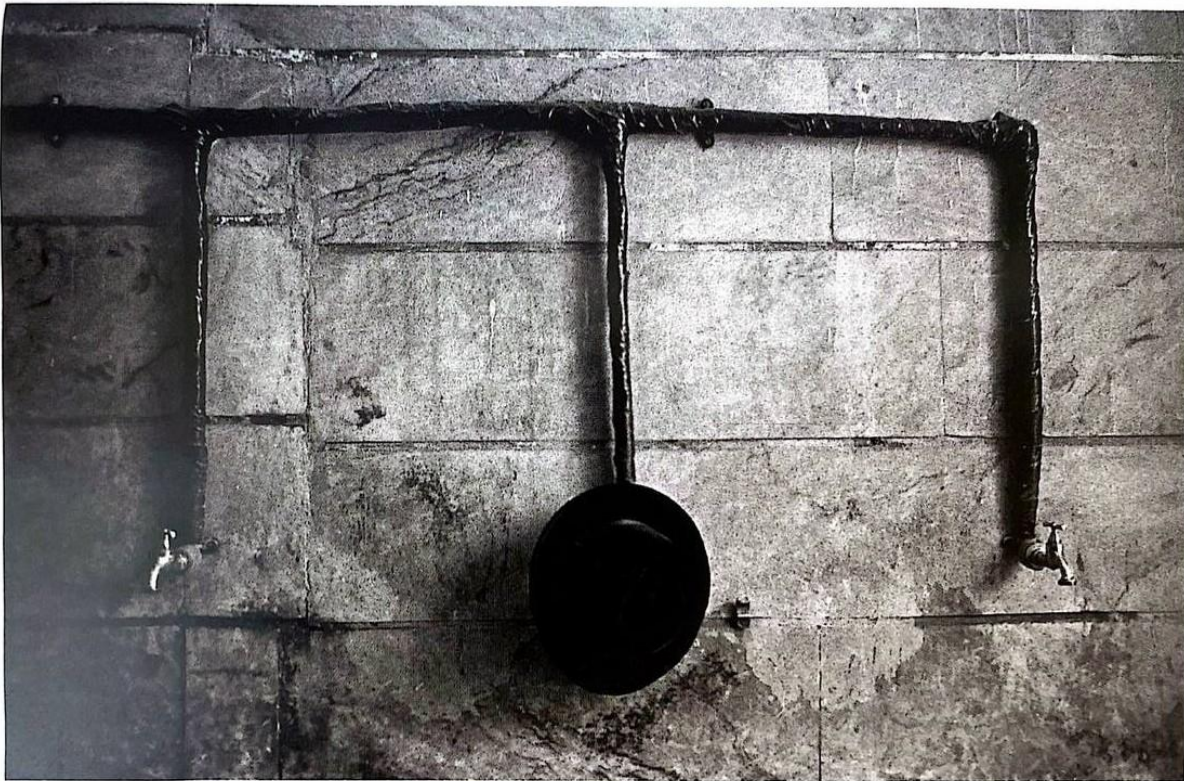
کتاب ((عکس مرگت چه بود؟)) شامل تصاویری است که نگاه پیمان هوشمند زاده به زندگی روزمره و دنیای پیرامونی که در اطرافش جریان دارد را در خود جای داده است. نگاهی جستجوگر که در سفرهایش چه در

داخل ایران و خارج از آن همواره همراه او بوده است. اگرچه تصاویر از نظر ترتیب قرارگیری از نظم خاصی تبعیت نمی‌کند، یعنی نه از نظر سیر تاریخی ثبت تصاویر، نه مکان عکس‌ها و نه افقی و عمودی بودن ترتیب خاصی رعایت نشده‌است، اما در نگاه به این مجموعه، من بیننده می‌توانم حضور زنجیره ای نامرئی در انتقال احساسات از یک عکس به عکس بعدی را ببینم که من را در سیر دنبال کردن عکس‌ها در مسیر نگه دارد تا ذهنم دچار هرج و مرج نشود مانند زمانی که صرفاً چندین عکس بدون اشتراکی در یک بستر به نمایش درمی‌آیند اما در این مجموعه در تمامی تصاویر حضور انسان چه فیزیکی و چه صرفاً ردپای او در عکس، در من این تصور را ایجاد می‌کند که عکاس به دنبال برقراری ارتباط و کشف احساسات انسانی در جهان پیرامون خود است.

چیزی که من می‌بینم توجه عکاس به فرم‌ها و ارتباط و شیوه‌ی قرارگیری عناصر در هم‌جواری یکدیگر برای معنابخشی به تصاویر بوده‌است. در این عکس‌ها پیوسته می‌توانم مشاهده کنم که حضور انسان‌ها چه خود در هم‌جواری یکدیگر فرم‌ها را تشکیل داده و هدایت می‌کنند و چه فرم‌های غیرانسانی بر حضور انسان و ارتباطاتش تاکید می‌کند. همان‌گونه که عکاس در مقدمه بیان می‌کند که از نظرش هر عکس یک سلام است و سلام یعنی از من به تو آزاری نمی‌رسد و سلام همان دری است برای ورود به جهانی ناشناخته، عکس‌ها نیز به خوبی همان درگاهی را به نمایش گذاشته‌اند که نگاه عکاس به جهان پیرامونش را برای من بیننده به نمایش گذاشته است.

من مخاطب عکس‌هایی هستم که اگرچه با آن‌هایی که در ایران ثبت شده‌اند که برخی از آن‌ها در تاریخ‌هایی است که به سبب سن کم، خاطره ای جمعی از آن دوران و شرایط ندارم اما می‌توانم درک احساسی نزدیکی با عکس‌ها داشته باشم و خودم را در جایگاه عکاس تصور کنم که ناظر وقوع لحظاتی کاملاً انسانی و روزمره است که در عین سادگی و گذرا بودن حسی آشنا و ناب را به من منتقل می‌کند گویی پیش از این خودم در آن مکان حضور داشته‌ام. همچنین انتقال این حس به تصاویری که در کشورهای دیگر ثبت شده به خوبی انجام گرفته‌است، آن‌چنان که با وجود تفاوت حال و هوای تصاویر که وابسته به فرهنگ متفاوت آن جا است، دچار بیگانگی و تقطیع درک احساسات انسانی در دیدن تصاویر نشده‌ام که این امر مدیون تشابه فرم‌ها و تکرار آن‌ها در تمامی عکس‌ها است که این زنجیره را حفظ کرده و از محاسن این مجموعه انتخابی می‌باشد.

بخشی که جذابیت این مجموعه را برای من افزوده است، انتخاب تصاویر شروع و پایان بندی این مجموعه است. پایان بندی این مجموعه با عکسی است از کلاه جامانده‌ی یک مرد که در کنار عکس شروع مجموعه که از مردی است از پشت که در خانه از پنجره به بیرون نگاه می‌کند و گویی در انتظار یک شروع است، این روایت را برای من بیان می‌کند که من بیننده آمدم، سلامی کردم و اکنون گذر کرده و با خداحافظی می‌روم اما ردی از خود برای شما به جای می‌گذارم و آن رد، افکار و احساس من است.



نتیجه گیری

از نظر من با اینکه در ابتدا و نگاه گذرا این مجموعه نظمى ندارد و شاید مشابه آلبوم‌های خانوادگی بهم ریخته به نظر بیاید که از نگاه خاصی تبعیت نمی‌کند اما در نگاهی دقیق‌تر هم‌نشینی عکس‌ها در کنار یکدیگر روایت تازه‌ای را می‌سازد که به داستان‌سرایی عکاس کمک کرده‌است و من توانستم ارتباط خوبی با آن بگیرم. قرارگیری عکس‌ها در کنارهم، استفاده خوب از فرم‌ها در عکاسی و تاکید بر آن‌ها، سیاه و سفید بودن تصاویر برای تاکید بیشتر بر روی فرم، ایجاد ارتباطی میان تصاویر با یکدیگر و حضور محسوس و نامحسوس عنصر انسانی در تمامی تصاویر همگی به خوبی برای جذابیت بخشیدن به اثر موثر بوده‌اند. انتخاب درست کاغذ و چاپ تصاویر به ارزنده کردن عکس‌های مستند کمک شایانی کرده‌است. در پایان به نظرم مجموعه خوبی بود و تجربه‌ی دیدن آن جدید و متفاوت بود.

Peyman Hooshmandzadeh What Was Your Death For?

